



MLJ

مجله حقوق پزشکی


دوره پانزدهم، شماره پنجاه و ششم، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>



مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی نظام مسؤولیت محض در جبران خسارات ناشی از بیوتکنولوژی کشاورزی

حمید رحمانی منشادی*^۱ 

۱. استادیار، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مطالبه خسارات ناشی از بیوتکنولوژی کشاورزی بر مبنای مسؤولیت مبتنی بر تقصیر در عمل باعث می‌شود در بسیاری از موارد به علت دشواری اثبات تقصیر با توجه به ماهیت پیچیده تولید و عرضه محصولات زراعی ترا ریخته، خسارات وارده به زیان دیده جبران نشده باقی بماند. به همین دلیل مناظرات گسترده‌ای در سطح جهانی در خصوص اینکه آیا بیوتکنولوژی کشاورزی باید تحت نظام مسؤولیت ویژه‌ای قرار بگیرد، صورت گرفته است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: در حقوق ایران تلاش‌هایی برای اعمال نظام مسؤولیت مدنی خاص در خصوص تولید و عرضه محصولات ترا ریخته صورت گرفت. اما متاسفانه علی‌رغم پیش‌بینی مسؤولیت نوعی در لوایح اولیه، در تصویب نهایی قانون ایمنی زیستی جبران خسارت ناشی از محصولات ترا ریخته تحت قواعد عام مسؤولیت مدنی و نظریه مسؤولیت مبتنی بر تقصیر قرار گرفت.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به تغییرات سریع صورت گرفته در بیوتکنولوژی کشاورزی بهتر است در خصوص خسارات ناشی از محصولات زراعی ترا ریخته از نظام مسؤولیت محض استفاده گردد چرا که مسؤولیت محض با حذف تعهد زیان دیده به اثبات تقصیر، منجر به سهولت مطالبه خسارت می‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

واژگان کلیدی:

مسؤولیت محض
جبران خسارت
بیوتکنولوژی کشاورزی
محصولات ترا ریخته

* نویسنده مسؤول:

حمید رحمانی منشادی
آدرس پستی: ایران، یزد، دانشگاه
یزد، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و
تاریخ.

کد پستی: ۸۹۱۵۸-۱۸۴۱۱

تلفن: ۳۵-۳۱۲۳۲۰۵۲

پست الکترونیک:

rahmani@yazd.ac.ir

۱. مقدمه

از مهمترین چالش‌های مطرح در عرصه بیوتکنولوژی کشاورزی ضرورت یا عدم ضرورت اتخاذ نظام مسؤولیت مدنی ویژه درخصوص تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته است. پاسخ به این پرسش در این امر نهفته است که آیا بیوتکنولوژی کشاورزی و تولید و عرضه محصولات زراعی اصلاح‌شده ژنتیکی با سایر تکنولوژی‌های کشاورزی متفاوت است. در جوامع و کشورهایی که حساسیت اجتماعی یا مذهبی بیشتری نسبت به تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته و اصلاح ژنتیک گیاهی وجود دارد، عموماً نظام مسؤولیت مدنی ویژه‌ای را در قالب مسؤولیت محض (نوعی) برای این‌گونه محصولات پیش‌بینی کرده‌اند. در حالی که در جوامعی که محصولات زراعی تراریخته را به مانند دیگر محصولات کشاورزی می‌دانند، خسارات ناشی از این محصولات را تحت نظام عام مسؤولیت مدنی مبتنی بر تقصیر مورد بررسی قرار می‌دهند. به عبارت دیگر گروهی معتقدند که به لحاظ ضررهای احتمالی محصولات زراعی تراریخته برای انسان و محیط زیست و عدم تضمین ایمنی آن، این محصولات کاملاً با دیگر محصولات زراعی متفاوت بوده و نظام مسؤولیت حاکم بر تولید و عرضه آنها نیز مانند دیگر کالاهای خطرناک باید مبتنی بر مسؤولیت نوعی باشد و علاوه بر آن مقررات نظارتی شدیدتری نیز درخصوص تولید و عرضه این محصولات تدوین شود. در مقابل کسانی که مدعی‌اند محصولات تراریخته تفاوتی با سایر محصولات زراعی ندارند و احتمال ورود زیان در هر دو نوع محصول به صورت مساوی وجود دارد، معتقدند که اتخاذ نظام مسؤولیت نوعی درخصوص این محصولات منجر به رکود تحقیقات ژنتیک گیاهی شده و هزینه‌های اضافی و غیرضروری را بر این تکنولوژی سودمند نوا تحمیل می‌کند (۱).

مسؤولیت مدنی در بیوتکنولوژی کشاورزی در صورتی مطرح می‌شود که در اثر کشت یا عرضه محصولات کشاورزی تراریخته به اموال، اشخاص یا محیط زیست خسارتی وارد شود. از مهمترین نگرانی‌های عمومی نسبت به تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته، ایجاد آلودگی ژنتیکی در زمین‌های مجاور، ایجاد علف‌های هرز مقاوم به علف‌کش‌ها،

احتمال انتقال سموم و ویروس‌های ناشناخته به انسان، مقاومت‌سازی بدن انسان نسبت به آنتی‌بیوتیک‌ها، سرطان‌زایی، امکان بروز حساسیت و آلرژی در انسان و انتقال ژن دستکاری شده به گیاهان وحشی است. به عنوان نمونه پژوهشگران آمریکایی در سال ۱۹۹۶ دریافتند که ژن تزریق شده گردوی برزبلی در سویای تراریخته می‌تواند باعث ایجاد حساسیت شود و اثر این حساسیت از ناراحتی ملایم تا مرگ ناگهانی متغیر می‌باشد (۲).

با مطالعه تحول تاریخی مبانی مسؤولیت مدنی، چهار نظریه اصلی: تقصیر، ایجاد خطر، مختلط و تضمین حق به چشم می‌خورد که در این میان، نظریه تقصیر و ایجاد خطر از اهمیت خاصی برخوردارند و در میان سایر نظریه‌ها بیشتر مورد توجه می‌باشند. در نظریه تقصیر که بر خطای مرتکب در ایجاد خسارت استوار است، باید رابطه علیت بین خطای مرتکب و فاعل ضرر احراز گردد و بار اثبات دلایل نیز بر دوش مدعی است. اما در نظریه ایجاد خطر، هر نوع فعالیتی که در اجتماع منشأ ایجاد محیط خطرآفرینی است، هرکس از آن منتفع می‌گردد باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند و تقصیر از ارکان تشکیل‌دهنده این نوع مسؤولیت نیست. برآمد نظریه ایجاد خطر، مسؤولیت محض است. منظور از مسؤولیت محض یا نوعی آن است که در صورت ورود خسارت ناشی از تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته، عامل زیان مسئول جبران خسارات وارده باشد بی آنکه زیان‌دیده مکلف باشد برای مطالبه خسارت تقصیر عامل زیان را اثبات کنند، لذا اثبات بی‌تقصیری و نداشتن عمد، باعث معافیت عامل زیان نمی‌شود. مسؤولیت محض را نباید با مسؤولیت با فرض تقصیر یکی دانست چرا که مبنای مسؤولیت محض، نظریه ایجاد خطر می‌باشد و در این نظریه مفهوم تقصیر اصلاً مورد توجه نیست و ثانیاً در فرض تقصیر، عامل زیان می‌تواند با اثبات عدم تقصیر خود و رعایت تمامی احتیاط‌های لازم خلاف فرض تقصیر را اثبات کند و از مسؤولیت رهایی یابد در حالی که در نظام مسؤولیت محض اثبات بی‌تقصیری تأثیری در مسؤولیت عامل زیان ندارد. همچنین مسؤولیت محض با مسؤولیت مطلق دو مفهوم متفاوت می‌باشد چرا که در مسؤولیت مطلق، شخص

از موانع دیگری که روند مطالبه خسارت را پیچیده تر می‌کند شرط حقوقی قابل پیش‌بینی بودن ضرر است، چرا که در صورتی که خواننده نتواند به طور متعارف ضرر را پیش‌بینی کند، دیگر رابطه سببیت بین تقصیر او و ضرر وارده وجود ندارد (۳). به عبارت دیگر تقصیر به مفهوم عرفی به معنای رفتار نامتعارف است و از دیدگاه عرف، عملی تقصیر محسوب می‌شود که شخص به طور متعارف بتواند ورود ضرر را به دیگری پیش‌بینی کند و در صورت عدم وجود چنین پیش‌بینی، دیگر عمل مورد نظر تقصیر به مفهوم حقوقی آن نیست. در حقوق ایران حکم صریحی در مورد قابل پیش‌بینی بودن ضرر مقرر نشده است اما به نظر حقوقدانان یکی از شرایط لازم برای مطالبه خسارت در مسئولیت قهری و قراردادی، قابلیت پیش‌بینی ضرر است (۴). به طور خلاصه مهمترین انتقاداتی که به اتخاذ سیستم مسئولیت مبتنی بر تقصیر در خصوص بیوتکنولوژی کشاورزی گرفته می‌شود این است که با توجه به پیچیدگی موضوع در این موارد اصولا اثبات تقصیر دشوار بوده و احتمال عدم جبران خسارت زیان‌دیده نیز زیاد می‌باشد، به علاوه با توجه به ضرورت اثبات تمامی ارکان مسئولیت مدنی، اصولا اقامه دعوا طولانی شده و هزینه سنگینی بر زیان‌دیده وارد می‌کند.

در ادامه سعی می‌شود با مطالعه تطبیقی قوانین کشورهای که از نظام مسئولیت محض در خصوص خسارات ناشی از بیوتکنولوژی کشاورزی استفاده کرده‌اند، ابعاد و چالش‌های این نظام را مورد بررسی قرار داده تا مزایا و معایب نظام مسئولیت محض در جبران خسارات ناشی از تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته روشن گردد. در همین راستا به بررسی رویکردهای متفاوتی می‌پردازیم که در خصوص ساختار نظام مسئولیت محض در کشورهای مختلف مورد پذیرش قرار گرفته است تا روشن گردد که کدام رویکرد برای جبران خسارات ناشی از محصولات زراعی تراریخته با توجه به شرایط و خصوصیات ویژه این موارد، مناسب‌تر است.

مطلقا مسئول است حتی اگر رابطه سببیت بین فعل او و زیان وارده وجود نداشته باشد مانند مسئولیت غاصب در قانون مدنی، در حالی که در مسئولیت محض، زیان‌دیده حتما باید رابطه سببیت بین فعل خواننده دعوی و زیان وارده را اثبات کند و تنها اثبات تقصیر لازم نیست.

در کشور ما با توجه به ماده یک قانون مسئولیت مدنی مبنای مسئولیت بر نظریه تقصیر استوار است و حقوقدانان ما نیز براساس این ماده معتقدند که در نظام حقوقی ایران، اصل بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و مسئولیت بدون تقصیر استثناء محسوب می‌شود (۳، ۴). در نتیجه از آنجایی که در قانون ایمنی زیستی نیز نظام مسئولیت مدنی ویژه‌ای در خصوص محصولات تراریخته پیش‌بینی نشده است، می‌توان گفت که خسارات ناشی از تولید و عرضه محصولات تراریخته در کشور ما نیز تحت قواعد عام مسئولیت مدنی و بر مبنای تقصیر باید مورد رسیدگی قرار گیرد. در عین حال در حقوق ایران نیز نظام مسئولیت محض در بعضی از موارد پذیرفته شده است به عنوان نمونه می‌توان به قاعده اتلاف در ماده ۳۲۸ قانون مدنی اشاره کرد. مسئولیت دارنده اتومبیل نیز از دیگر مصادیق مسئولیت محض در حقوق ایران است.

از معایب نظام مسئولیت مبتنی بر تقصیر، بی‌جبران ماندن خساراتی است که بدون تقصیر حاصل می‌شوند، به علاوه سختی اثبات برخی از تقصیرها نیز باعث محروم شدن برخی از زیان‌دیدگان می‌شود (۵). به عبارت دیگر موانع مطالبه خسارت بر مبنای تقصیر در بیوتکنولوژی کشاورزی را می‌توان نفس شرایطی دانست که قانون مسئولیت مدنی برای مطالبه خسارت بر مبنای تقصیر ضروری می‌داند. اموری مانند دشواری اثبات تقصیر متصدیان تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته از واضح‌ترین این موارد است. به عبارت دیگر اثبات تقصیر در عرصه بیوتکنولوژی کشاورزی برای زیان‌دیده که به طور معمول شخص عادی و ناآشنا به دانش بیوتکنولوژی است، امری بسیار دشوار است. مسأله پیچیده‌تر در این موارد این است که در صورت وجود اسباب متعدد در ورود خسارت، تعیین عامل و سبب موثر در ورود زیان، دشوار و تا حدی غیرممکن خواهد بود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

در حقوق ایران تلاش‌هایی برای اعمال نظام مسؤولیت مدنی خاص درخصوص تولید و عرضه محصولات تراریخته صورت گرفت. اما متاسفانه علی‌رغم پیش‌بینی مسؤولیت نوعی در لوایح اولیه، در تصویب نهایی قانون ایمنی زیستی جبران خسارت ناشی از محصولات تراریخته تحت قواعد عام مسؤولیت مدنی و نظریه مسؤولیت مبتنی بر تقصیر قرار گرفت.

۵. بحث

۵-۱. مطالعه تطبیقی نظام مسؤولیت محض

مطالبه خسارات ناشی از بیوتکنولوژی کشاورزی بر مبنای مسؤولیت مبتنی بر تقصیر در عمل باعث می‌شود در بسیاری از موارد به علت دشواری اثبات تقصیر با توجه به ماهیت پیچیده تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته، خسارات وارده به زیان‌دیده جبران نشده باقی بماند. به همین دلیل مناظرات گسترده‌ای در سطح جهانی درخصوص اینکه آیا بیوتکنولوژی کشاورزی باید تحت نظام مسؤولیت ویژه‌ای قرار بگیرد، صورت گرفته است. در همین راستا در نظام‌های حقوقی، برای رفع اشکالات وارد بر نظام مسؤولیت مبتنی بر تقصیر راه‌حل‌های متفاوتی مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از عمده‌ترین راه‌حل‌های اتخاذ شده، حذف تقصیر از ارکان دعوای جبران خسارت ناشی از محصولات زراعی تراریخته است. به عبارت دیگر به دلیل چنین اشکالاتی در برخی از نظام‌های حقوقی، مسؤولیت تولیدکننده و عرضه-

کننده محصولات زراعی تراریخته از نوع مسؤولیت محض یا نوعی تلقی می‌شود (۷). لذا با نوعی اعلام کردن مسؤولیت متصدیان محصول زراعی تراریخته، زیان‌دیده از اثبات تقصیر عامل زیان معاف شده و در نتیجه اثبات رابطه سببیت نیز آسان‌تر می‌گردد، چرا که زیان‌دیده تنها باید ثابت کند که محصول تراریخته و نه متصدی، سبب خسارت بوده‌اند. با حذف تقصیر، با صرف اثبات رابطه سببیت بین خسارت و محصول تراریخته، ارکان دعوای مطالبه خسارت محرز شده و مسؤولیت نوعی متصدی ثابت می‌گردد. به علاوه با اتخاذ نظام مسؤولیت نوعی درخصوص محصولات زراعی تراریخته، تعدد اسباب منجر به از بین رفتن مسؤولیت تولیدکننده محصول تراریخته معیوب نخواهد شد.

از طرفی اتخاذ سیستم مسؤولیت محض درخصوص خسارات ناشی از محصولات زراعی تراریخته با رفع چالش‌های اقامه دعوا بر مبنای تقصیر می‌تواند حمایت بهتری را از مصرف‌کننده محصولات تراریخته به عمل آورد. به عبارت دیگر از دیدگاه آنها، متصدیان محصولات زراعی تراریخته که از تولید و عرضه این محصولات کسب سود می‌کنند باید خسارات ناشی از این محصولات را نیز جبران کنند، چرا که اولاً هرکس سود کاری را کسب می‌کند باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند و ثانیاً تولیدکننده و عرضه‌کننده کالا می‌توانند مسؤولیت خود را بیمه کنند. به علاوه اتخاذ سیستم مسؤولیت محض باعث افزایش ایمنی این محصولات و بهبود بهداشت عمومی می‌گردد.

در عین حال در صورتی که خواننده در دعوای مطالبه خسارت ناشی از محصولات زراعی تراریخته ثابت کند که تولید یا عرضه محصول تراریخته به طور کامل مطابق ضوابط قانونی صورت گرفته است و عیب موجود در محصول، بدون نقض مقررات و ضوابط قانونی قابل رفع نبوده است، براساس مبانی مسؤولیت نوعی، مسؤولیتی نخواهد داشت. به عبارت دیگر تولیدکننده بذر یا گیاه تراریخته در صورتی که ثابت کند تولید محصول هم براساس ضوابط قانونی و هم بدون عیب ممکن نبوده است و عیب موجود در کالا مستقیماً در نتیجه ضوابط

قانونی ایجاد شده، دیگر مسؤولیتی در قبال زیان دیده نخواهد داشت. چرا که اصولاً خسارت قابل انتساب به او نیست (۸). در بسیاری از نظام‌های حقوقی، در خصوص مسائل پیچیده از قبیل تحقیقات زیست پزشکی، کالاهای خطرناک و محصولات تراریخته، از نظام مسؤولیت محض به جای مسؤولیت مبتنی بر تقصیر استفاده می‌شود. تحت این نوع مسؤولیت دیگر لازم نیست تقصیر عامل زیان ثابت گردد و برای مطالبه خسارت، زیان دیده باید تنها ورود خسارت و رابطه سببیت بین خسارت و تولید یا عرضه محصول تراریخته را ثابت کند. اعمال نظام مسؤولیت محض در خصوص تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته در کنار افزایش اعتماد عمومی به این محصولات، باعث می‌شود تا تولیدکنندگان این نوع محصولات نسبت به رعایت ضوابط فنی و استانداردهای ایمنی در تولید دقت بیشتری را اعمال کنند که در نهایت منجر به افزایش کیفیت این محصولات و رونق اقتصادی آنها می‌شود. در مقابل اشکالاتی که بر اتخاذ این نوع مسؤولیت وارد می‌شود این است که بیم از پرداخت خسارت منجر به کاهش رغبت شرکت‌های بیوتکنولوژی و کشاورزان به تولید و کشت چنین محصولاتی می‌شود و در نهایت منجر به افزایش هزینه تولید و قیمت این محصولات شده و به رکود اقتصادی در صنعت بیوتکنولوژی کشاورزی منتهی می‌شود.

طرفداران اتخاذ نظام مسؤولیت محض در خصوص خسارات ناشی از تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته معتقدند بیوتکنولوژی کشاورزی از لحاظ ماهیت با سایر تکنولوژی‌های زراعی متفاوت بوده و باید نظام مسؤولیت مدنی ویژه‌ای در خصوص این محصولات پیش‌بینی گردد تا جبران خسارات ناشی از این محصولات تضمین گردد. در همین راستا اتحادیه اروپا به کشورهای عضو این اتحادیه پیشنهاد داده است که محصولات زراعی تراریخته باید تحت نظام مسؤولیت مدنی ویژه‌ای قرار گیرد (۹). در نتیجه این امر برخی از کشورهای اروپایی از قبیل اتریش و آلمان در قوانین خود، نظریه مسؤولیت نوعی را در خصوص خسارات ناشی از تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته اعمال کرده‌اند.

به علاوه گروهی معتقدند بر مبنای اصول پروتکل ایمنی زیستی کارتاها در خصوص خسارات ناشی از تولید و عرضه محصولات زراعی تراریخته باید از سیستم مسؤولیت نوعی استفاده شود (۱۰). به عبارت دیگر بر اساس اصل پیشگیری در پروتکل ایمنی زیستی کارتاها و با توجه به ابهامات موجود در خصوص شدت و میزان خسارات بالقوه محصولات زراعی تراریخته، باید از سیستم مسؤولیت نوعی استفاده شود (۷). در واقع اتخاذ مسؤولیت نوعی با تغییر بار اثبات دعوا، رویکرد پیشگیرانه پیشنهادی در پروتکل ایمنی زیستی کارتاها را به اجرا می‌گذارد. چرا که مسؤولیت نوعی با حذف تقصیر و عدم نیاز به اثبات آن از طرف زیان دیده باعث می‌شود که تولیدکننده یا عرضه‌کننده ملزم شود تا برای رهایی از مسؤولیت، ایمنی محصول زراعی تراریخته را ثابت کند. همین امر باعث می‌گردد متصدیان محصولات زراعی تراریخته برای اجتناب از دعاوی مسؤولیت مدنی و پرداخت خسارت حداکثر تلاش خود را برای تضمین ایمنی محصولات خود به کار ببرند. در نتیجه اتخاذ نظام مسؤولیت محض در راستای توصیه پروتکل ایمنی زیستی کارتاها مبنی بر اتخاذ اقدامات پیشگیرانه از طرف دولت‌ها خواهد بود.

در میان کشورهای جهان، نروژ (۱۱)، سوئیس (۱۲)، اتریش (۱۳)، آلمان (۱۴) و نیوزیلند (۱۵) از کشورهای اعمال‌کننده نظام مسؤولیت محض در خصوص محصولات تراریخته تلقی می‌شوند. به علاوه کنوانسیون لوگانو (۱۶) نیز برای متصدیان فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست، سیستم مسؤولیت نوعی را مقرر کرده است، این مسؤولیت شامل تولید، کشت، ذخیره‌سازی، استفاده و عرضه محصولات تراریخته نیز می‌شود. بر اساس قوانین اتریش در موارد ایراد خسارت در نتیجه محصولات زراعی تراریخته مانند آلوده شدن زنجیره غذایی، شخص یا موسسه متصدی توزیع این محصول در مقابل کلیه خسارات وارده به سلامت، اموال یا محیط زیست مسؤولیت داشته و باید اموال آسیب‌دیده را به وضعیت سابق بازگرداند به علاوه بیمه مسؤولیت برای تولیدکننده و عرضه‌کننده محصولات تراریخته اجباری است (۱۷).

در قوانین آلمان نیز خسارات وارده بر اموال و سلامت اشخاص که از محصولات زراعی تراریخته ناشی شده باشد تحت نظام مسؤولیت نوعی قابل مطالبه است (۱۷). با این تفاوت که حقوق آلمان مسؤولیت را بر عهده شرکت بیوتکنولوژی تولیدکننده بذر و گیاه تراریخته یا کشاورز کشت‌کننده قرار داده است. به علاوه در حقوق آلمان نیز بیمه خسارات احتمالی ناشی از محصولات تراریخته اجباری است (۱۸).

در خصوص نظام مسؤولیت مدنی حاکم بر محصولات تراریخته، حقوق آلمان دارای یکی از متمایزترین رویکردها تلقی می‌شود. قانون تکنولوژی ژنتیک آلمان در خصوص خسارات ناشی از تولید و عرضه محصولات تراریخته در خصوص اسباب طولی و اسباب عرضی ورود خسارت، مسؤولیت تضامنی محض^۱ را پیش‌بینی کرده است. به عبارت دیگر در صورتی که چند سبب چه طولی و چه عرضی منجر به ورود خسارت گردند، براساس قانون آلمان، زیان‌دیده می‌تواند همزمان نسبت به تمام خسارت به هرکدام از اسباب مراجعه کند. در حقوق آلمان اگر در اثر کشت زراعت تراریخته به مزرعه‌ای خسارتی وارد شود و آلودگی زیستی قابل ردیابی به کشاورز خاصی نباشد، تمامی کشاورزان مجاوری که اقدام به کشت محصولات تراریخته کرده‌اند و بالقوه ممکن است سبب آلودگی تلقی شوند در مقابل عامل زیان مسؤولیت تضامنی محض دارند (۱۸). در نتیجه اگر مزرعه کشت محصولات ارگانیکی در مجاورت چهار مزرعه کشت محصولات تراریخته باشد و در اثر گرده افشانی مزارع مزبور آلوده گشته و محصولات کشت شده خصوصیت ارگانیک خود را از دست بدهند، کشاورز زیان‌دیده می‌تواند علیه کشاورزان تمامی مزارع مجاور به صورت همزمان یا جداگانه برای مطالبه تمامی خسارت خود اقدام دعا کند بدون اینکه لازم باشد تقصیر آنها را ثابت کند.

بسیاری از صنایع بیوتکنولوژی و مؤسسات تحقیقات ژنتیک آلمان در مقابل سیستم مسؤولیت تضامنی محض به مخالفت پرداخته‌اند و معتقدند براساس این رویکرد، کشاورزان محصولات زراعی تراریخته ممکن است علی‌رغم رعایت تمام

ضوابط قانونی، مسؤول پرداخت خسارت تلقی شوند (۱۹). مخالفان معتقدند که کشاورزان محصولات زراعی تراریخته تنها باید در صورتی مسؤول تلقی شوند که ضوابط و مقررات قانونی را رعایت نکرده باشند (۱۸).

در خصوص رویکرد کشورهای آفریقایی، قانون نمونه آفریقا در خصوص ایمنی در بیوتکنولوژی در سال ۲۰۰۱ توسط اتحادیه آفریقا تهیه و به عنوان راهنمایی برای تدوین قوانین ملی در خصوص بیوتکنولوژی تصویب شد (۲۰). در این قانون نیز نظام مسؤولیت نوعی در خصوص محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی پیش‌بینی گردید (۲۱). با این وجود علی‌رغم رویکرد قانون نمونه آفریقا، کشورهای آفریقایی هنوز نظام مسؤولیت نوعی را در قوانین ایمنی زیستی خود پیش‌بینی نکرده‌اند.

۵-۲. خسارات قابل مطالبه در نظام مسؤولیت نوعی

یکی از مهمترین پیشنهاداتی که در خصوص نظام مسؤولیت مدنی حاکم بر محصولات زراعی تراریخته مطرح شده این است که قانون‌گذار باید خسارات قابل مطالبه را صراحتاً در متن قوانین پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر برای دستیابی به یک نظام جبران خسارات کارآمد در خصوص محصولات زراعی تراریخته باید خسارات قابل مطالبه در قوانین صراحتاً پیش‌بینی گردد. در این خصوص قوانین کشورهای اتریش (۲۲)، آلمان (۲۳)، نیجریه (۲۴)، نروژ (۲۵) و سوئیس (۲۶) در کنار تدوین نظام ویژه جبران خسارت در خصوص محصولات زراعی تراریخته، خسارات قابل مطالبه را نیز در این قوانین صراحتاً ذکر کرده‌اند. در این میان قانون کشور آلمان جامع‌ترین تعریف را از خسارت ناشی از محصولات تراریخته ارائه کرده است. این قانون خسارات قابل مطالبه را شامل خسارات وارده به سلامت انسان و اموال دانسته و به تفصیل مصادیق این خسارات را مشخص کرده است. به عنوان نمونه در خصوص مصادیق سرایت آلودگی ژنتیکی به مزارع مجاور که خسارت آن قابل مطالبه است سه نمونه را ذکر کرده است: ۱- آلودگی ژنتیکی که منجر گردد تا محصول زراعی قابل عرضه به بازار نباشد، ۲- آلودگی ژنتیکی که باعث الزام برچسب‌گذاری محصولات مزرعه آلوده شده گردد، ۳-

^۱ Strict Joint And Several Liability

خسارت ملزم باشند. راه حل سوم آن است که تمامی عوامل زیان و اسباب ورود ضرر در مقابل زیان دیده مسؤولیت تضامنی داشته باشند یعنی تمامی عوامل زیان ملزم به جبران تمام خسارت وارده به زیان دیده باشند بدون آنکه سهم آنها در ورود زیان مورد توجه قرار گیرد (۲۹).

همانطور که اشاره شد در قوانین کشورهای که نظام مسؤولیت مدنی ویژه‌ای را در خصوص محصولات زراعی تراریخته اتخاذ کرده‌اند، رویکردهای مختلفی در خصوص اشتراک یا اختصاص مسؤولیت و میزان مسؤولیت اسباب ورود خسارت مطرح شده است. قوانین اتریش (۳۰)، سوئیس (۳۱)، چین (۳۲) و نیوزیلند (۳۳) مسؤولیت ناشی از خسارات را در این گونه محصولات به تولیدکننده اختصاص داده‌اند و تنها تولیدکننده را مسؤول جبران خسارات ناشی از این محصولات می‌دانند.

علی‌رغم مزایایی که اختصاص مسؤولیت به تولیدکننده در کاهش دشواری مطالبه خسارت توسط زیان دیده خواهد داشت، اشکال عمده این رویکرد این است که اختصاص مسؤولیت به تولیدکننده تکنولوژی بذر و گیاه تراریخته باعث رکود بیوتکنولوژی کشاورزی شده و مانع پیشرفت و توسعه این تکنولوژی مفید خواهد شد. در عین حال اختصاص مسؤولیت به تولیدکننده محصولات تراریخته باعث می‌شود تا مسؤولیت و تعهد به جبران خسارت بر عهده شخصی قرار گیرد که از تولید و عرضه محصولات تراریخته سود اقتصادی کسب می‌کند.

حقوق آلمان علی‌رغم اختصاص مسؤولیت، راه حل متفاوتی را نسبت به حقوق اتریش و سوئیس انتخاب کرده است و «متصدی» محصول تراریخته را مسؤول جبران خسارات ناشی از آن می‌داند. در حوزه بیوتکنولوژی کشاورزی، متصدی به کشاورزی اطلاق می‌شود که اقدام به کاشت محصول بذر یا گیاه تراریخته نموده است (۲۷). مبنای این نظر در این امر نهفته است که از نظر حقوق آلمان کشاورز کشت‌کننده محصول تراریخته، بیشترین سود را از تولید این محصولات کسب می‌کند. به علاوه در حقوق آلمان متصدیان متعدد کشت محصولات تراریخته که با هم موجب خسارت شده‌اند، در مقابل زیان دیده مسؤولیت نوعی تضامنی دارند (۳۴) در

آلودگی ژنتیکی که باعث شود خاصیت و ویژگی ارگانیک محصول مزرعه مجاور از بین برود (۲۷). حقوق آلمان با اتخاذ این رویکرد هرگونه ابهام در خصوص خسارات قابل مطالبه در بیوتکنولوژی کشاورزی را منتفی ساخته است.

نمونه دیگری از این رویکرد را می‌توان در قوانین نیجریه یافت. علی‌رغم اینکه تعریف خسارات قابل مطالبه در بیوتکنولوژی کشاورزی در قوانین نیجریه به تفصیل قوانین آلمان نیست، اما مفهوم و حیطة وسیع‌تری را شامل می‌شود. در دستورالعمل ایمنی زیستی نیجریه، نظام مسؤولیت محض حاکم بر هرگونه ضرر و زیانی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از محصولات تراریخته ناشی می‌شود و در این دستورالعمل تصریح شده است که خسارات قابل مطالبه شامل صدمات جسمی، خسارات وارد بر اموال و زیان‌های اقتصادی می‌شود (۲۸). ذکر این نکته ضروری است که چنین تعریف موسعی از خسارت ممکن است منجر به اختلال در صنعت بیوتکنولوژی شود. چرا که در عمل منجر به افزایش دعاوی مطالبه خسارت و کاهش انگیزه شرکت‌های بیوتکنولوژی و کشاورزان فعال در این عرصه می‌گردد.

۵-۳. اشتراک یا اختصاص مسؤولیت در نظام مسؤولیت

نوعی

در تدوین نظام مسؤولیت نوعی در خصوص خسارات ناشی از محصولات زراعی تراریخته، کشورها در تعیین شخص مسؤول و اختصاص بار مسؤولیت رویکردهای متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند که در ادامه به بررسی هر کدام از این رویکردها می‌پردازیم. به طور کلی سه راه حل قابل تصور است، اول آنکه از میان عوامل متعدد ورود زیان، مسؤولیت اختصاص به یک عامل داشته باشد مانند آنچه که در حقوق ما در مسؤولیت نوعی دارنده اتومبیل و حتی مسؤولیت با فرض تقصیر کارفرما وجود دارد. راه حل دوم آنکه تمامی عوامل زیان مسؤولیت داشته باشند و تعهد به جبران خسارت بین تمامی اسباب ورود خسارت به نسبت مشارکت آنها در ورود زیان تقسیم شود، یعنی تمامی عوامل ورود زیان در مقابل زیان دیده مسؤولیت نوعی نسبی یا مشترک داشته باشند و هر کدام به اندازه زیان وارده به جبران

نتیجه شخص زیان دیده می‌تواند به هرکدام از آنها برای مطالبه تمام خسارات خود مراجعه کند.

برخلاف حقوق آلمان در نظام مسؤولیت مدنی ناشی از محصولات تراریخته در کشور نیجریه، مسؤولیت اسباب متعدد ورود زیان، مسؤولیت مشترک است و تمامی افرادی که در زنجیره عرضه محصولات تراریخته قرار دارند از قبیل دارنده مجوز، کشاورز، تولیدکننده و فروشنده محصولات زراعی تراریخته نسبت به زیان‌های وارده مسؤولیت مشترک دارند (۳۵). از آنجایی که ماهیت این مسؤولیت مشترک از نوع تضامنی محض یا همان مسؤولیت نوعی تضامنی است (۳۶). در صورتی که یکی از عوامل ورود زیان مثلاً کشاورز در دسترس نباشد و یا اینکه از لحاظ مالی توانایی پرداخت خسارت را ندارد و اقامه دعوا علیه او در نهایت فایده‌ای نخواهد داشت، خواننده می‌تواند به هرکدام از اسباب ورود زیان برای مطالبه تمامی خسارات خود مراجعه کند.

اشکال قابل ایراد در خصوص رویکرد کشور نیجریه این است که در عمل با رویکرد اختصاص مسؤولیت به تولیدکننده تفاوتی نخواهد داشت. چرا که تولیدکننده با توجه به موقعیت اقتصادی بهترش در بیشتر موارد برای مطالبه تمامی خسارت طرف دعوا قرار می‌گیرد و این امر منجر به کاهش انگیزه تولیدکنندگان محصولات تراریخته شده و در نهایت باعث رکود بیوتکنولوژی کشاورزی می‌شود. به علاوه از آنجایی که تمامی افراد دخیل در تولید و عرضه محصولات تراریخته براساس قانون نیجریه مسؤولیت تضامنی محض دارند، اثر بازدارندگی این ضمانت اجرا به تمامی این افراد سرایت می‌کند و در عمل حتی این رویکرد تاثیر منفی بیشتری بر بیوتکنولوژی کشاورزی خواهد داشت. حتی می‌توان گفت که در میان تمام رویکردها، شدیدترین نظام مسؤولیت مدنی در قوانین نیجریه یافت می‌شود.

در میان این رویکردهای متفاوت در خصوص خسارات ناشی از محصولات تراریخته، مسؤولیت نوعی مشترک صحیح‌تر به نظر می‌رسد، چرا که این نوع مسؤولیت با اصل «آلوده‌کننده باید

بپردازد»^۱ در پروتکل ایمنی زیستی کارتاها سازگارتر است. به علاوه براساس اصول حقوقی و مبانی نظری مسؤولیت مدنی اشخاص باید تنها مسؤول جبران خساراتی باشند که از فعل آنها ناشی شده است و مسؤولیت تضامنی و مسؤولیت ناشی از فعل غیراستثنائاتی است که بر مبنای نظم عمومی و افزایش اعتبار برخی روابط حقوقی اعمال شده است. در عین حال پذیرش مسؤولیت نوعی مشترک در خصوص خسارات ناشی از محصولات زراعی تراریخته باعث می‌شود تا زیان دیده برای جبران زیان کامل خود مجبور شود علیه همه عوامل ورود زیان اقامه دعوا کرده و رابطه سببیت بین عمل آنها و خسارت را جداگانه اثبات کند.

۶. نتیجه‌گیری

از مباحث صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به تغییرات سریع صورت گرفته در بیوتکنولوژی کشاورزی بهتر است در خصوص خسارات ناشی از محصولات زراعی تراریخته از نظام مسؤولیت نوعی استفاده گردد. چرا که مسؤولیت نوعی با حذف تعهد زیان دیده به اثبات تقصیر یا تعهد به مراقبت، منجر به سهولت مطالبه خسارت می‌شود. به علاوه در حقوق مدرن جهان کنونی در مواردی که شخص با ایجاد محیط خطرناک اقدام به کسب سود اقتصادی می‌کند، از نظام مسؤولیت بدون تقصیر یا نوعی استفاده می‌شود. در همین راستا کشورهای بسیاری با به رسمیت شناختن ویژگی‌های منحصر به فرد محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی و عدم توانایی نظام سنتی مسؤولیت مدنی مبتنی بر تقصیر در خصوص خسارات ناشی از این محصولات، اقدام به تصویب قوانین خاص در خصوص نظام مسؤولیت مدنی در این‌گونه محصولات کرده‌اند.

در حقوق ایران نیز تلاش‌هایی برای اعمال نظام مسؤولیت مدنی خاص در خصوص تولید و عرضه محصولات تراریخته صورت گرفت. اما متأسفانه علی‌رغم پیش‌بینی مسؤولیت نوعی در لوایح اولیه، در تصویب نهایی قانون ایمنی زیستی جبران

^۱ polluter pays principle

خسارت ناشی از محصولات تراریخته تحت قواعد عام مسؤولیت مدنی و نظریه مسؤولیت مبتنی بر تقصیر قرار گرفت. یکی از مهمترین ایرادات قانون ایمنی زیستی ایران نیز همین عدم پیش‌بینی مسؤولیت نوعی برای متصدیان این‌گونه محصولات است.

لذا شایسته است قانون‌گذار ایرانی نیز با توجه به واقعیت‌های دنیای کنونی و اهمیت حیاتی حمایت از حقوق زیان‌دیده و مصرف‌کننده در برقراری عدالت اجتماعی و عدم کفایت نظام سنتی مسؤولیت مبتنی بر تقصیر در خصوص خسارات ناشی از بیوتکنولوژی کشاورزی، اقدام به اصلاح قانون ایمنی زیستی نماید و ضمن پیش‌بینی نظام مسؤولیت محض برای خسارات ناشی از محصولات تراریخته، مقررات مربوط به خسارات قابل مطالبه و نحوه توزیع مسؤولیت بین عوامل ورود زیان را به صراحت مشخص کند تا ابهامات موجود در این زمینه را به طور کامل برطرف سازد.

۷. تقدیر و تشکر

نویسنده از مرکز تحقیقات و اخلاق حقوق پزشکی دانشگاه شهید بهشتی و جناب آقای دکتر محمود عباسی که در تدوین این مقاله راهنمایی نموده‌اند کمال تشکر و قدردانی را دارد.

۸. سهم نویسندگان

تمام مسؤولیت نگارش مقاله بر عهده نویسنده می‌باشد.

۹. تضاد منافع

در پژوهش حاضر هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. Royal Commission On Genetic Modification, Chapter 12, Liability Issues. Available At: <https://www.mfe.govt.nz/publications/organisms/royal-commission-gm/>.
2. Liam D, May R. Health implications of genetically modified foods. London: Department of Health; 2004.
3. Katouzian N. Non-contractual obligations (coercive guarantee). 7 ed. Tehran: Tehran University Publisher; 2007. (Persian).
4. Ghasemzadeh SM. Fundamentals of Civil Liability. 5 ed. Tehran: Mizan Publisher; 2008. (Persian).
5. Safaei SH, Rahimi H. Civil liability. 1 ed. Tehran: Samt Publisher; 2010. (Persian).
6. Katouzian N. General rules of contracts. 3 ed. Tehran: Corporation Publisher; 2008. (Persian).
7. Nijar GS. Liability and redress for damage arising from genetically modified organisms: Law and policy options for developing countries. Biosafety First. 2007:483.
8. Albery & Budden v BP Oil Ltd & Shell UK Ltd, legal brief available at: <http://legacy.library.ucsf.edu/tid/iza50a99>. 1980.
9. Directive 2004/35/CE of the European Parliament and of the Council on environmental liability with regard to the prevention and remedying of environmental damage.
10. Cullet P. Liability and Redress in Biotechnology: Towards A Development Of Rules At The National And International Levels, International Environmental Law Research Centre, Geneva, available at URL: <http://www.ielrc.org/content/W0401.pdf>. 2004.
11. Gene Technology Act, Act 38 Of 2 April 1993, Section 23.
12. Law On Genetic Engineering. Article 30(1), Article 30(4). 2003.
13. Gene Technology Act (510 Of 1994), Amended In 1998 And 2002.
14. The Gene Technology Act 1990.
15. Hazardous Substances And New Organisms Act, Sections – 124g, Available At: <http://www.legislation.govt.nz/act/public/2003/0054/latest/dlm215804.html>. 1996.
16. Lugano Convention: Convention On Civil Liability For Damage Resulting From Activities Dangerous To The Environment.
17. Boadi R. Handbook Of Best Practices: Managing Liability Associated With Genetically Modified Crops; 2007. 1385-92 p.
18. Gerdung A. Germany's Liability Law for GMO Cultivation. Sustainability Council of New Zealand. 2006.
19. Germany Gene Technology Act, Section 16b.
20. African Model Law On Safety in Biotechnology, Available at: <http://hrst.au.int/en/biosafety/modellaw?q=biosafety/modellaw>.
21. African Model Law On Safety in Biotechnology, Article 14.
22. Austrian Gene Technology Act. 1994.
23. Gentechnikgesetz Vom 16. Dezember 1993 (Amended June 18, 2004).
24. Nigeria Biosafety Guidelines. 2001.
25. Gene Technology Act. 1993.
26. Swiss Federal Law Relating To Non-Human Gene Technology. 2003.
27. Gentechnikgesetz Vom 16. Dezember 1993 (Amended June 18, 2004), Section 32(1).
28. Nigeria Biosafety Guidelines, Section 14(A). 2001.
29. Migus M. GMO Statutory liability regimes: An international review: Canadian Institute for Environmental Law and Policy; 2004.
30. Austrian Gene Technology Act, Article 79(A)(1) And 79(A)(2). 1994.
31. Swiss Federal Law Relating To Non-Human Gene Technology, Article 30(2). 2003.
32. The Chinese Genetic Regulation And The Safety Administration Implementation Regulation On Agricultural Biological Genetic Engineering, Principle 28. 1996.
33. Hazardous Substances And New Organisms Act , Part 7 (117) And Part 7a. 1996 (Amended October 2003).
34. Gentechnikgesetz Vom 16, Section 36(A). Dezember 1993 (Amended June 18, 2004).
35. Nigeria Biosafety Guidelines, At Section 14(B). 2001.
36. Nigeria Biosafety Guidelines, At Section 14(D). 2001.



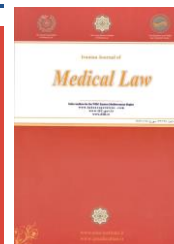
The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal

2021; 15(56): e36.

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Comparative study of strict liability in redress arising from agricultural biotechnology

Hamid Rahmani Manshadi*¹

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 5 October 2020

Accepted: 10 March 2021

Published online: 14 June 2021

Keywords:

Strict Liability

Compensation

Agricultural Biotechnology

Genetically Modified Crops

* Corresponding Author:

Hamid Rahmani Manshadi

Address: Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran.

Postal Code: 89158-18411

Telephone: 35-31232052

Email: rahmani@yazd.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Claim for damages of Agricultural Biotechnology on Fault-based liability system in practice lead to Lack of compensation in most cases because of the difficulty of proving fault Due to the complex nature of the production and supply of GM crops. For this reason, in Recent years have been wide global debate about whether agricultural biotechnology should be covered by a special liability regime.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Results: In Iranian law, some efforts have been made to enforce a special civil liability system for the production and supply of transgenic products but unfortunately, despite envisaging Strict Liability in the initial bills, In the final enactment of the Biosafety Act, compensation for transgenic crops was placed under the general rules of civil liability and the theory of fault-based liability.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: Due to the rapid changes that have occurred in agricultural biotechnology it is better to use a strict liability Regime for damages caused by GM crops Because strict liability system by removing the obligation to prove negligence led to easier redress claims.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Rahmani Manshadi H. Comparative study of strict liability in redress arising from agricultural biotechnology. *Medical Law Journal* 2021; 15(56): e36.